**فاطمه (س)، مایه خشنودي فرشتگان خدا**

نويسنده: سهند صادقي بهمني

فاطمه (سلام الله علیها) بانويي است كه گرچه براي بروز و تجلي فرصت چنداني نيافت، اما در همان 18‌سالي كه از اين زندگي دنيايي بهره گرفت، لقب « سيده نساء اهل الجنه» سرور زنان اهل بهشت را يافت و اين نشان ژرفاي معنا و عمق معنويتي است كه در وجود اين برترين بانوي تاريخ نهفته است.
پرسش اصلي اين جستار نيز بر سر همين مفهوم شكل يافته است؛ اندكي فرصت و كم‌بهره‌ بودن از حيات ظاهري و در عين‌حال پربار بودن و رسيدن به مقامي كه پيش و پس از او احدي بدان نايل نيامده است. چگونه دخت 18 ساله محمد (ص) اينگونه درخشيد.
بانويي كه پدري پيامبر داشت و شويي امام و خليفه مسلمانان، ‌چگونه توانست خود را از سايه سنگين ايشان رهايي دهد، آن هم در عصري كه اصولاً نگاه مثبتي به زن و فعاليت‌هايش وجود نداشته است؟ هر چند بايد بر اين امر پاي بفشاريم كه تعاليم اسلام و آموزه‌هاي پيامبر در زمينه سازي و تجلي شخصيت اجتماعي زن بسيار اثر نهاده است، ‌منتها انتظار اينكه اين فعاليت‌ها گشايش‌هاي آني در پي خود داشته‌اند نيز اندكي بيجا به‌نظر مي‌آيد. نگاهي مختصر و فهرست‌گونه به حيات فاطمه زهرا (س) مي‌تواند اندكي زواياي زندگي ايشان را بكاود.

**فعاليت‌هاي اجتماعي و فرهنگي:**

هر عصري، قوانين و مقتضيات و شيوه‌هاي فعاليت متناسب با خويش را براي چگونگي كاركردهاي اجتماعي زنان و مردان و تعامل ايشان با اجتماع ارائه مي‌دهد و نحوه انتظار از ايشان و نوع نگاهي كه به اثرگذاري ايشان وجود دارد نيز بر همين پايه سنجيده و محاسبه مي‌شود. با اين نگاه مي‌توان اينگونه اثرگذاري زهراي اطهر را ملاحظه كرد. ايشان در جامعه آن روز مورد مراجعه مردم در امور مختلف اجتماعي بودند، البته تاكيدهاي مكرر پيامبر در گفتار و رفتار بسيار در اين باره نقش ايفا كرد و سبب شد تا حضرت (س) از چنان جايگاه و موقعيت خاصي برخوردار شوند كه بيت ايشان تبديل به مأمن و مرجع مردم شود. در اين‌باره مي‌توان به تفكيك برخي از اين فعاليت‌ها اشاره كرد:

**الف- بيان احكام شرعي بانوان؛**

زنان مدينه خدمت ايشان مي‌رسيدند و پرسش‌هاي شرعي خود را كه احتمالاً بنابر دلايلي نمي‌توانستند از مردان بپرسند از ايشان مي‌پرسيدند. حضرت نيز با صبر و حوصله بي‌پايان به ايشان پاسخ مي‌گفتند.
امام حسن عسكري (ع) مي‌گويد: زني به حضور فاطمه رسيد و عرض كرد: من مادري ناتوان دارم كه نسبت به مسائل و احكام نمازش دچار شبهه و شكي شده است، مرا نزد شما فرستاده تا آن‌را بپرسم. حضرت به پرسش او پاسخ گفتند. او پرسش ديگري پرسيد و حضرت پاسخ گفتند و پرسش سوم تا 10 پرسش را آن زن مطرح كرده و حضرت فاطمه پاسخ گفتند. آن زن از اينكه پرسش‌هاي زيادي را مطرح كرده است شرمسار شد و عرض كرد: اي دختر رسول خدا نمي‌خواستم به شما زحمت بدهم، مرا ببخشيد. حضرت فرمودند: «هر وقت خواستي بيا و هر چه مي‌خواهي بپرس!» (بحار الانوار، ج 2، ص 3، چ قديم)؛

**ب- حل اختلاف در مسائل ديني؛**

در اين باره امام حسن (ع) مي‌گويد: دو زن كه در يكي از مباحث ديني با هم اختلاف داشتند، خدمت حضرت آمدند، بحث آن دو به نزاع و دعوا كشيد، يكي از آن‌دو با ايمان بود، ديگري مخالف و معاند با اسلام. حضرت به زن مسلمان در گفتن دلايل و ادله خود كمك كرد تا بتواند مطالب حق خود را بيان كند. او نيز با كمك فكري ايشان توانست بر خصم خويش فارغ آيد و از اين بابت اظهار خوشحالي و فرح فراوان كرد. حضرت (س) فرمودند: خشنودي فرشتگان از پيروزي تو بر او بيش از خشنودي تو است چنانكه غمگين شدن شيطان و پيروانش بيش از ناراحتي و حزن آن زن مي‌باشد. (همان)

**ج- بيان معارف الهي؛**

ابن مسعود از بزرگان صحابه پيامبر (ص) مي‌گويد: مردي نزد حضرت زهرا (س) آمد و عرض كرد: آيا رسول خدا (ص) چيزي نزد شما گذاشته كه من از آن بهره ببرم. آن حضرت به خدمتكار منزل فرمود كه برود آن دستمال ابريشمي را بياورد. او هر چه به دنبال آن گشت آن را پيدا نكرد. حضرت زهرا فرمودند: حتماً آن را پيدا كن چرا كه آن بسيار برايم ارزش دارد. خدمتكار پس از جستجو آن را پيدا كرد. در آن صحيفه نوشته‌اي بود كه بر آن چنين نوشته بود: پيامبر اكرم (ص) فرمودند: كسي كه همسايه‌اش از شر او در امان نباشد از مومنان نيست. هر كس به خداوند و روز قيامت ايمان دارد، همسايه‌اش را آزار ندهد. كسي كه به خدا در روز قيامت ايمان دارد، يا سخن نيكو بگويد يا سكوت كند. همانا خداوند انسان نيكوكردار و بردبار و پاكدامن را دوست دارد و انسان زشت‌كار، بخيل و بسيار سؤال كننده و پررو را مبغوض دارد. همانا حيا از ايمان است و ايمان نيز در بهشت جاي دارد. فحش و ناسزاگويي از بي‌حيايي است و بي‌حيا در آتش است. (سفينه البحار، ج2، ص 112)

**د- پرسش مردان از ايشان؛**

در برخي موارد، مومنان، همسران خود را به خدمت ايشان مي‌فرستادند تا پرسش‌هاي خود را از محضر آن بزرگوار بپرسند.
مردي، همسرش را فرستاد تا به نزد حضرت برود و از ايشان بپرسد كه آيا او از شيعيان و پيروان شماست يا خير؟ او به حضور حضرت آمد و چنين پاسخ شنيد، كه به شوهرت بگو: اگر به آنچه به شما امر كرده‌ايم، عمل مي‌كني و از آنچه كه نهي كرده‌ايم دوري مي‌كني، از شيعيان ما هستي وگرنه خير. مرد پس از شنيدن پاسخ آن حضرت، مضطرب شد و به خود گفت: واي بر من، چه كسي پيدا مي‌شود كه از گناه و خطا دور باشد؟ پس من همواره در جهنم خواهم بود زيرا هر كس از شيعيان آنان نباشد در آتش جهنم جاودان است. همسرش به حضور حضرت برگشت و سخنان شوهرش را بازگو كرد. حضرت فرمودند: به او بگو اين چنين نيست. شيعيان ما از بهترين اهل بهشتند و همه دوستان ما و دوستداران دوستان ما و دشمنان دشمنان ما و هر كس با قلب و زبان تسليم ما اهل بيت باشد. اگر با اوامر و نواهي‌ ما در ديگر گناهان مخالفت كنند، از شيعيان ما نخواهند بود ولي در عين‌حال آنان نيز در بهشت خواهند بود البته پس از آنكه در اين دنيا به بلايا و گرفتاري‌ها يا در عرصه‌ قيامت به انواع شدائد و سختي‌ها و يا در طبقه بالاي جهنم گرفتار عذاب شدند، تا ما به خاطر محبت و دوستي كه با ما داشته‌اند نجاتشان دهيم و آنان را به نزد خود منتقل سازيم. (بحار الانوار، ج 68، ص 155، چ قديم)

**فعاليت‌هاي سياسي:**

الف- برانگيختگي پيامبر (ص) همراه بود با هجمه‌هاي شديد قريش به ايشان. اين جملات گاه از حد حملات لفظي خارج مي‌شد و حالت فيزيكي به خويش مي‌گرفت. در ابتدا كساني چون حمزه از ايشان دفاع مي‌كردند، پس از حمزه اما فاطمه را بايد در صف نخستين مدافعان جدي پيامبر به شمار آورد. ابوبكر احمدبن‌حسين بيهقي در دلائل النبوه، ج2، ص 47- 41 ترجمه محمود مهدوي دامغاني و علامه مجلسي در بحار الانوار، ج 18، باب يك از ابواب اصول حضرت رسول (ص) برخي از اين دفاع‌ها را ثبت كرده‌اند.
بيهقي مي‌نويسد: روايت شده است كه مشركان قريش در حجر اسماعيل گرد آمده بودند و مي‌گفتند: چون محمد (ص) عبور كند، هر يك از ما ضربه‌اي به او خواهيم زد و چون فاطمه اين را شنيد، پيش مادر رفت و سپس مطلب را به اطلاع پيامبر (ص) رسانيد. (همان) عبدالله بن‌مسعود مي‌گويد: با پيامبر (ص) در كنار كعبه بوديم حضرت در سايه خانه خدا مشغول نماز بود، گروهي از قريش و از جمله ابوجهل در گوشه‌اي از مكه چند شتر نحر كرده بودند، شكمبه آنان را آوردند و بر پشت پيامبر (ص) گذاشتند، فاطمه آمد و آنها را از پشت پدرش برداشت. (بحار الانوار، ج 18، ص57‌/ دلائل النبوه، ج 2، ص 44) عمروبن ميمون از عبدالله بن مسعود روايت مي‌كند و مي‌گويد: روزي پيامبر به حال سجده بود.
گروهي از قريش گرد او بودند و مقداري از شكمبه و احشاي شتر و يا گاوي كه آن را كشته بودند نيز آنجا بود. آنها با خود گفتند: چه كسي اين شكمبه را برمي‌دارد و بر پشت او مي‌گذارد؟ عقبه‌بن‌ابي محيط گفت: من اين كار را انجام مي‌دهم و انجام داد. فاطمه آمد و آن را از پشت پدرش محمد (ص) برداشت. (دلائل النبوه، ج 2، ص 43)
ب- دفاع و حمايت از ولايت، پس از پيامبر اكثر مسلمانان از جانشين وي، امام علي (ع) روي بر مي‌تافتند. گرچه در ابتداي كار لااقل چهار گروه از بيعت با خليفه جديد سرباز زدند، اما به تدريج ايشان نيز به صف بيعت‌كنندگان خليفه نو پيوستند. ا ين گروه‌ها عبارت بودند از:
1- قبيله خزرج از انصار 2- بني‌اميه و در راس آنها ابوسفيان 3- بني‌هاشم 4- گروهي از مسلمانان مهاجر از كشورهاي ديگر مانند سلمان فارسي. بنابراين امام علي (ع) اندكي پس از رحلت پيامبر بي‌دفاع و تنها ماندند. در اين مقطع بايد فاطمه (س) را تنها مدافع راستين ولايت و امامت ديد.

**تعليم و تربيت**

در وصيتي كه شفاهاً آن را به امام حسن القاء كرده است در فرازي مي‌گويد: الله الله من جاركم، خدا را در رابطه با همسايه‌هايتان در نظر گيريد. او سپس مي‌گويد پيامبر آنقدر درباره همسايگان سفارش كرده كه گمان مي‌كردم ايشان نيز ارث مي‌برند. بنابراين كاملاً طبيعي است اگر فاطمه (س) را در اين‌باره چون امام علي (ع) تحت تاثير پيامبر ببينيم، ايشان درباره رعايت حق همسايه مطالب گران‌سنگي را به يادگار نهاده‌اند.
امام حسن (ع) مي‌گويد: مادرم فاطمه (س) را شب جمعه‌اي ديدم كه در محراب خود ايستاده و پيوسته به ركوع و سجود مي‌رفت، تا سپيدي صبح آشكار شد و شنيدم كه در حق مردان و زنان مومن بسيار دعا مي‌كرد و اسم آنها را مي‌برد و براي ايشان دعا مي‌كرد. اما براي خودش دعا نفرمود. عرض كردم مادر! چرا براي خودت چون ديگران دعا نكردي؟ فرمود: يا بني! الجار ثم الدار» پسركم! اول همسايه سپس خانه. اين اهتمام ايشان به همسايگان به مثابه حديث پيامبر (ص) تا به آنجا بود كه به عيادت ايشان مي‌رفت و در مجالس تعزيت و تسليت ايشان شركت مي‌كرد. ايثار و انفاق از ديگر مظاهر فاطمه (س) بوده است كه البته دامنه وسيع‌تري را نسبت به همسايگان در برمي‌گيرد. خانه فاطمه از جمله مكان‌هايي بود كه فقرا و مستمندان جامعه آن روز مدينه آنگاه كه از دستگيري ديگران احساس نااميدي مي‌‌كردند، به آنجا مراجعه مي‌كردند.
جابربن‌عبدالله انصاري مي‌گويد: نماز عصر را با پيامبر (ص) به جا آورديم، حضرت هنوز در محراب نماز نشسته بودندكه پيرمردي از مهاجران عرب كه لباس كهنه و مندرس به تن داشت وارد شد، پيامبر اكرم (ص) احوال او را پرسيد و از او دلجويي كرد. آن مرد گفت: اي رسول خدا! شكمم گرسنه است، غذايم ده. تنم برهنه است، جامه‌ام بپوشان. تهيدستم بي‌نيازم فرما! پيامبراكرم (ص) فرمودند: چيزي براي تو نيست، به در خانه كسي برو كه خدا و رسولش او را دوست دارند، او هم خدا و رسولش را دوست دارد، برو به خانه فاطمه. آنگاه به بلال فرمود: او را به در خانه فاطمه ببر. بلال با آن بينوا آمد و او را به در خانه فاطمه آورد.
حضرت زهرا (س) گردنبندي را كه فاطمه دختر حمزه سيدالشهدا، به او هديه داده بود از گردن در آورد و به آن مرد فقير داد و فرمود: اين را بگير و بفروش، اميد است كه خدا در برابر آن چيزي به تو دهد كه از آن بهتر است.» (بحارالانوار، ج 43، ص 58- 56، ح 50، چ قديم) و اين‌گونه بود كه زهرا، بهترين زمان خويش شد و با وجود عمر اندك و بهره بسيار كم از زندگي، اسوه زنان و مرداني شد كه خود اسوه ديگران بودند. زهرا اينگونه اسوه‌ساز شد.
سلام بر او آنگاه كه به دنيا آمد، آنگاه كه به شهادت رسيد و آنگاه كه محشور خواهد شد.

**منبع: روزنامه همشهری**